رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۶، شماره پیاپی ۷۵، شهریور ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(6), 2022

تجربه زیسته تعاملی جوان تک فرزند: روایت پژوهی

The Only-Child Adolescents' Lived Experience of Interaction: Narrative Research

فرخ رو جلیلی (نویسنده مسئول)
استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
مرضیه ظفرنژاد
دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس امام سجاد دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
فاطمه خسروی
دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس امام سجاد دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

Farokhro Jalili*
Assistant Professor, Department of educational science, Farhangian University, Tehran, Iran.
frokhro.jalili@cfu.ac.ir
Marzieh Zafarnejad
Undergraduate student, Imam Sajjad Campus, Farhangian University, Tehran, Iran.
Fatemeh Khosravi
Undergraduate student, Imam Sajjad Campus, Farhangian University, Tehran, Iran

چکیده

در نیم‌قرن اخیر تغییرات بنیادی در شـــکل و ویژگی های خانواده، انتقال خانواده گسـترده به هسـته ای و به‌تبع آن کاهش سـطح زادوولد و افزایش تمایل به تک‌فرزندی اوری در ایران امری محسوس است. پژوهش حاضر با هدف کاوش و بررســـی ابعاد فردی و بین فردی زندگی یک تک‌فرزند با توجه به روایت‌های او از زندگی‌اش انجام شـــد. روش انجام این پژوهش، کیفی از نوع روایت پژوهی اســـت. ابزار گرداوری اطلاعات در این پژوهش مصـــاحبه نیمه ســـاختاریافته بود. تحلیل روایت بر اســـاس روش کدگذاری اســـتراوس و کوربین بود. نتایج نشـــان داد: دوســـوگرایی در تعاملات خانوادگی (ارتباط محافظتی و وابســـتگی-تنهایی)، شـــاکله شـــخصـــیتی نامنســـجم (ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مثبت و منفی) و تعاملات اجتماعی محدود (محدودیت ارتباطی با اقوام و بســـتگان؛ ضـــعف ارتباط با دوســـتان و همســـالان). به‌طورکلی می‌توان گفت که نیمرخ روانی تک‌فرزندان و گســـتردگی یا محدودیت تعاملات اجتماعی آن‌ها، پدیده‌ای چندوجهی و متأثر از عوامل متعدد اســـت. درمجموع بســـتر و بافت روابط خانوادگی اســـت که شـــرایط تکوین ویژگی‌های گاه متناقض تک‌فرزندان را توجیه می‌کند

واژه‌های کلیدی: *تک‌فرزند، تجربه زیسته، تعاملات، روایت پژوهی*

Abstract

In the last half-century, fundamental changes in the shape and characteristics of the family, the transfer of the extended family to the nuclear, and consequently the decrease in the birth rate and the increase in the desire for voluntary monogamy in Iran are noticeable. The aim of this study was to explore the individual and interpersonal dimensions of an individual child's life according to her narratives of life. The method of this research is a qualitative type of narrative research. The data collection tool in this study was a semi-structured interview. Narrative analysis was based on the coding method of Strauss and Corbin. The results showed: ambivalence in family interactions (protective relationship and Loneliness –Dependence *Feeling)*, Incoherent personality structure (positive and negative moral and behavioral characteristics), and unlimited social interactions (communication restriction). Relatives; poor communication with friends and peers). In general, it can be said that the psychological profile of single children and the extent or limitation of their social interactions is a multifaceted phenomenon and is influenced by several factors. In general, it is the context of family relationships that justifies the conditions for the development of sometimes contradictory characteristics of single children.

Keywords: *single child, Lived Experience, Interaction, Narrative Research*

نوع مقاله : کیفی **دریافت : بهمن ۱۴۰۰** **پذیرش: مرداد ۱۴۰۱** **ویرایش نهایی: شهریور ۱۴۰۱**

مقدمه

فرزندآوری پدیده مهمی در حرکات جمعیتی محسوب می‌شود که ترکیبات، ساختارها و فرایندهای خانوادگی را شکل می‌دهد (فاضلی-مهر و رضوانی، ۱۳۹۹). کاهش میزان باروری به زیر سطح جایگزینی و تمایل خانواده‌ها به تک‌فرزند اوری، گرایش رو به رشدی است که افزایش نسبت خانواده‌های تک‌فرزند را به همراه داشته و موجب شده خانواده گسترده به هسته‌ای تغییر شکل دهد (منصور[1]، ۲۰۱۸؛

1.Mansour

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). شرایط فرهنگی – اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج و به‌تبع داشتن فرزند در سنین بالاتر، افزایش طلاق، وجود مشکلات اقتصادی و نگرانی‌های مالی تنها برخی از دلایل افزایش این پدیده است (چن و لئو[1]، ۲۰۱۴؛ مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ این امر تغییر در الگوهای مراوده‌ای و روابط درونی خانواده و سبک زندگی تک‌فرزند را به همراه دارد (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶؛ خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵). ترکیب‌ها و اندازه‌های مختلف خانواده ممکن است حالت‌های گوناگون تعامل بین اعضای خانواده را تعیین کنند (لئو و همکاران[2]، ۲۰۱۷)؛ تجارب روزانه افراد در خانواده، ازجمله تعاملات اعضا و زیرمنظومه‌ها با یکدیگر، اساس شکل‌گیری جهان‌بینی، نگاه و نظام باورهای آن‌ها به خود، دیگران و جهان اطراف است؛ درواقع تجارب خانوادگی پایه‌های هستی‌شناختی هر انسانی را شکل می‌دهند. از این رو به نظر می‌رسد تک‌فرزند بودن تاثیر ویژه‌ای بر رشد کودک دارد (فاضلی‌مهر و رضوانی، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، به طور کلی باور بر این است که محیط خانواده به ناچار گروه‌های تک‌فرزندان را از نظر شناخت، شخصیت و ویژگی‌های عاطفی از گروه خانواده‌های دارای چندفرزند متفاوت می‌سازد (یانگ و همکاران[3]، ۲۰۱۷).

دو دیدگاه متناقض در مورد تک‌فرزندان در مقایسه با کسانی که خواهر و برادر دارند، مطرح شده است؛ دیدگاه اول که در اصل توسط روان‌پزشکان و روان‌شناسان اولیه ارائه شده مطابق با تفکر عمومی تک‌فرزندان را نسبتاً مشکل‌ساز می‌بینند (چن و لئو، ۲۰۱۴). تنها با داشتن یک فرزند والدین احتمالاً به خواسته‌های تنها فرزندشان تن می‌دهند. افراط بیش‌ازحد در این توجه و مراقبت، به‌احتمال‌زیاد سبک والدگری خاصی را برای تک‌فرزندان مشخص می‌کند؛ بنابراین بیشتر آن‌ها را به افراد خودمحور، وابسته و ناسازگار تبدیل می‌کند (مانچیلاس[4]، ۲۰۰۶؛ رابرتز و بلانتون[5]، ۲۰۰۱). همچنین از تک‌فرزندان انتظار می‌رود که در مهارت‌های اجتماعی دچار کمبود و نقصان باشند؛ زیرا آن‌ها خواهر و برادرهایی برای یادگیری تعاملات اجتماعی ندارند. همچنین عدم حضور خواهران و برادران ممکن است به طور غیرمستقیم مانع از رشد تک‌فرزندان در حوزه‌های شناختی یا غیرشناختی شود (لئو و همکاران[6]، ۲۰۱۷). به عنوان مثال، این کودکان معمولا فرصت‌های مهمی را برای تمرین برخی از جنبه‌های پیچیده‌تر روابط در یک محیط ایمن و همچنین فرصت‌های بسیاری را برای یادگیری و رشد مهارت های روانی – اجتماعی و حمایت عاطفی در مقایسه با کودکان عادی از دست می دهند (فلچر[7]، ۲۰۱۴). این موارد بر کارکردهای شناختی و غیر شناختی مانند سلامت روانی و سلامت عمومی تاثیر خواهند گذاشت. به عنوان مثال، برخی شواهد پژوهشی نشان داده‌اند که تک فرزندان پیشرفت کمی و بهزیستی ذهنی پایین‌تری دارند یا همان بهزیستی ذهنی کودکان عادی را دارا هستند (وو[8]، ۲۰۱۴). به طور مشابهی مستمرا نشان‌داده شده‌است که هیچ تفاوتی در خودکارآمدی تحصیلی بین تک‌فرزندان و کودکان دیگر وجود ندارد (یوآن[9]، ۲۰۱۴).

دیدگاه دیگر که بیشتر مبتنی بر تحقیقات تجربی است، وضعیت تک‌فرزندی را در شرایط مثبت‌تر در نظر می‌گیرد. مطالعات تا به امروز از بازنمایی‌های نامطلوب تک‌فرزندان حمایت نکرده‌اند (فالبو[10]، ۲۰۱۲). نتایج فراتحلیل‌های انجام‌شده در محیط‌های غربی نشان داده است که تک‌فرزندان نسبت به افرادی که خواهر و برادر دارند، وضعیت یکسان و مشابهی داشته یا حتی از مزیت‌های بیشتری برخوردار هستند (پولیت[11] و فالبو، ۱۹۸۸). به طور ویژه مطالعات نشان داده‌اند که تک‌فرزندان و فرزندان اول خانواده در مقایسه با کودکان دیگر، سطح بیشتری از پاسخگویی، توجه و نگرانی والدین را کسب می‌کنند. این امر باعث می‌شود تا آنان احساس امنیت بیشتری کنند که رشد شایستگی‌های عقلانی، اعتماد روان‌شناختی و الگوهای رفتاری رشد یافته این کودکان را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، بدون رقابت با خواهر و برادرها، تک‌فرزندان، به عنوان تنها دریافت‌کننده دارایی‌های خانواده، از فرصت‌های تحصیلی، سلامت جسمی و سلامت عمومی خود سود

1.Chen & Liu
2.Liu
3.Yang
4.Mancillas
5.Roberts & Blanton
6.Liu
7.Fletcher
8.Wu
9.Yuan
10.Falbo
11.Polit

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

می‌بردند. در این راستا، برپایه شواهد پژوهشی نشان داده شده است که تک‌فرزندان مهارت‌های تحصیلی بهتری از خود نشان می‌دهند، خودپنداره تحصیلی، بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی بالاتری دارند (هو[1]، ۲۰۰۹؛ وان و ایپ[2]، ۲۰۰۹؛ شائو و همکاران[3]، ۲۰۱۳).

از این رو وضعیت تک فرزندی ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر جنبه‌های مختلف رشدی این افراد تاثیر بگذارد و این که آیا چنین تاثیری مثبت خواهد بود یا منفی به توافق عمومی دست نیافته است؛ درواقع می‌توان عنوان کرد که یافته‌های تجربی تا به امروز به هیچ‌وجه در مورد ویژگی‌های تک‌فرزندان به اجماع نرسیده‌اند. مطالعات انجام شده در ایران؛ برای مثال خلیلیان شلمزاری (۱۳۹۷)؛ زارعی توپخانه (۱۳۹۴)؛ ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳)؛ کاویان فر و همکاران (۱۳۹۶)؛ کریمیان و همکاران (۱۳۹۴) و موجودی و همکاران (۱۳۹۷) نیز دربردارنده یافته‌های ضد و نقیض است. از این رو تک‌فرزندی، بعنوان یک ویژگی خانواده‌های جدید همچنان این سوال را ایجاد می‌کند که تعداد فرزندان (یک یا چند فرزند بودن) چه نقشی در تکوین ویژگی‌های روان‌شناختی افراد ایفا می‌کند و این پرسش همچنان می‌تواند به عنوان خلاء پژوهشی مدنظر محققان قرار گیرد. علاوه بر تحقیقاتی که با رویکرد کمّی در ایران انجام شده، تحقیقات کیفی اندکی در این زمینه صورت پذیرفته است و واکاوی این مساله به صورت عمیق تر را ایجاب می‌کند. همچنین در ایران پژوهشی که به صورت کامل و جامع به روش روایت‌پژوهی به بررسی ویژگی‌های مختلف تک‌فرزندی بپردازد، انجام نشده است. با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش به دنبال بررسی تجارب زیسته یک تک فرزند است که به عنوان نمونه موردی ارائه شد.

روش

رویکرد پژوهش حاضر، کیفی و از نوع روایت‌پژوهی است که به شیوه مطالعه زیست‌نگاری شده، انجام گرفته است.کلاندینین و کانلی[4] (۲۰۰۰) تجربه پژوهش روایی را این گونه تعریف می‌کنند: روش فهم تجربه، متضمن همکاری بین محقق و مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. حکایت تجربه‌هایی کـه زندگی مردم را به لحاظ فردی و اجتماعی می‌سازد. باید توجه کرد که روایت، بازسازی واقعی و حقیقی زندگی نیست؛ بلکه تجارب زیسته مشارکت‌کننده است (وبستر و مرتووا[5]، ۲۰۰۷).

در پژوهش حاضر مشارکت کننده یک دختر ۲۲ ساله بیرجندی از یک خانواده فرهنگی ساکن جنوب شهراست. که به‌عنوان یک نمونه معمولی تک فرزندی و هدفمند انتخاب شده است. ملاک ورود به پژوهش تک فرزند بودن، سلامت جسمی و روانی (به دلیل شناخت قبلی پژوهشگران از فرد مورد مطالعه شواهدی مبنی بر عدم سلامت جسمانی و روانی یافت نشد) و بیان صادقانه (از آنجا که پژوهشگران شناخت قبلی نسبت به فرد موردنظر داشتند؛ مدارکی دال بر اینکه نظرات صادقانه ای ارائه نکرده باشد، یافت نشد و با توجه به شناخت قبلی که از این فرد داشتند گزاره ها قابل اعتماد بود) روایت زندگی بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. برای اعتبار یافته ها در این پژوهش از دو روش استفاده شد: توافق کدگزاران () و بازگرداندن کدها به مصاحبه شونده.

پس از انجام مصاحبه، پژوهشگر داستان‌های مشارکت‌کننده را طی توالی زمانی و براساس اصول روایت‌پژوهی کلاندینین و کانلی (۲۰۰۰) مبتنی بر تمرکز روایت بر سه عنصر زمان، مکان و تعاملات، بازداستان‌سرایی کرد. سپس روایت کامل به مشارکت کننده بازگردانده شد تا در مورد آن نظر داده و اگر سوءتفاهم و اشتباهی انجام شده، بازنگری لازم در آن صورت گیرد. به این ترتیب روایی پژوهش با استفاده از استراتژی بازبینی پژوهش به وسیله مشارکت‌کننده تامین شد. همچنین یافته‌ها و مراحل انجام کار توسط فردی صاحب نظر و خبره در زمینه این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی پایایی این پژوهش از ضریب توافق کدگذاران (ضریب هولستی[6]) استفاده شد و میزان توافق کدگذاران این تحقیق ۰/۸۹ بود.

در این پژوهش جهت تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استراوس و کوربین استفاده شد. در نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان با روش استراوس و کوربین مقوله‌های فرعی تحت سلسله روابطی به مقوله اصلی و محوری مرتبط شده و روابط میان آن‌ها با مقوله اصلی تحت الگو و مدلی مشخص می‌شود. ایجاد چنین ارتباطی بر مبنای طرح پرسش و انجام مقایسه صورت می‌پذیرد. ابتدا متن مصاحبه به صورت کامل و دقیق

1.Hu
2.Kwan & Ip
3.Shao et al
4.Clandinin & Connelly
5.Webster & Mertova
6.Holsti

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

خوانده شد و در حین خواندن مفاهیم مهم و اصلی آن کدگذاری شده است (کدگذاری باز) سپس با توجه به ارتباطی که کدها با یک دیگر داشتند در مقوله‌های مختلف قرار داده شدند (کدگذاری محوری)؛ آنگاه با توجه به نزدیکی و قرابت مقوله‌ها مضامین اصلی انتخاب شده است (کدگذاری گزینشی).

یافته ها

راوی این پژوهش تک فرزند، و بین ۲۰ تا ۳۰ ساله است.

جدول ۱. مضامین، مقوله ها و کدهای استخراج شده از مصاحبه

مضمون اصلی	مقوله محوری	کد باز
دوسوگرایی تعاملات خانوادگی	ارتباط محافظتی	علاقه، محبت، حمایت و توجه زیاد؛ صرف وقت و هزینه بالا؛ نگرانی مفرط؛ انتظارات و توقعات چشمگیر؛ کنترل و محدود کردن فرزند
	وابستگی-تنهایی	وابستگی عاطفی، توقع زیاد، نگرانی از تنهایی والدین، ترس از کم شدن توجه، مسئولیت و وظایف زیاد در خانواده، احساس درک نشدن، حسرت همبازی، فقدان حمایت برادرانه و محبت خواهرانه، حسرت داشتن برادرزاده و خواهرزاده
شاکله شخصیتی نامنسجم	ویژگی‌های اخلاقی- رفتاری مثبت	باوجدان بودن، مسئولیت‌پذیری، مودب بودن، راستگویی، کمال‌گرایی مثبت، وضعیت تحصیلی خوب
	ویژگی‌های اخلاقی -رفتاری منفی	مغرور و خودخواه بودن، سمج بودن، ترسو بودن، وابستگی، لوس بودن، پرخاشگری، تک‌بعدی بودن، ساده‌لوحی، تاب‌آوری کم، پریشانی روانی (استرس، اضطراب، افسردگی)
تعاملات اجتماعی محدود	محدودیت ارتباطی با اقوام و بستگان	توانایی کم در شروع ارتباط با دیگران، کم حرف بودن درجمع، عدم تمایل به شرکت در جمع های شلوغ، ارتباط بهتر با افراد بزرگتر فامیل، بزرگتر از سن خود رفتار کردن
	ضعف ارتباط با دوستان و همسالان	داشتن دوستان اندک، نداشتن رقابت با دوستان، توقع زیاد در دوستی با دیگران، نداشتن همکاری با دوستان، نادیده گرفتن دوستان

دوسوگرایی در تعاملات خانوادگی

ارتباط محافظتی: این مقوله بیانگر نحوه رابطه والدین با تک فرزند است. این رابطه، مبتنی بر محافظت است؛ درواقع می‌توان گفت والدین، او را در سپری دفاعی قرار داده‌اند و مرکز توجه والدین قرار دارند. توصیف مشارکت کننده از رابطه، اینگونه است: «کلا مامان بابام خیلی منو دوست دارن و بهم خیلی ابراز محبت می‌کنن و همیشه قربون صدقم می‌رن، مثلا بابام همیشه منو دختر ناز بابا صدا می‌زنه... والدین‌ام خُب به خواسته‌های من خیلی توجه می‌کنند (با تاکید بیان می‌کند)؛ یعنی تقریبا هرچی که من می‌خوام رو برام تهیه می‌کنن... پدر و مادرم خیلی از من حمایت می‌کنن و تقریبا همیشه در کنار من هستند، مثلا یادمه بچه که بودم وقتی با بچه‌های فامیل دعوام می‌شد حتی اگه من مقصر واقعی بودم، پدر و مادرم بازم طرف منو می‌گرفتن و ازم حمایت می‌کردن». از سوی دیگر ، توجه و حمایت گاه خود را به شکل نگرانی مفرط نشان می‌دهد:« مامانم همیشه می‌گه من فقط همین یه بچه رو دارم حق بده به من که خیلی نگرانت بشم». در ازای این توجهات، روای معتقد است گاه والدین وی از او انتظارات و توقعات بالایی دارند:«پدرومادرم از من انتظارات و توقعات زیادی دارن و دوست دارن من تک‌تک خواسته‌هاشونو برآورده کنم». نگرانی زیاد والدین و انتظار بالا از فرزندشان موجب می‌شود تا حمایت افراطی خود را به شکل «کنترل و محدود کردن فرزند» نشان دهند؛ به طوری که گاه آزادی را محدود می‌کند: «والدین‌ام همیشه کنترلم می‌کنن و خیلی رو کارام نظارت می‌کنن و خیلی از کارایی که دوست دارم انجام‌شون بدم رو سر این اخلاق‌شون انجام ندادم»؛ درواقع وی به نوی نظارت والدینی شدیدی را احساس می‌کند و نوعی احساس به دام افتادن را تجربه می‌کند. شاید بتوان گفت مراقبت والدین از وی افراطی است و نوعی بیش‌حمایتی از سوی والدین خود احساس می‌کند. توجه و حمایت افراطی، خود را در قالب دیگری نیز نشان می‌دهد که با

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

عبارت «صرف وقت و هزینه بالا» کدگذاری شده است:« مامان بابام چون من تنها فرزندشون هستم برای من خرج زیادی می‌کنن و کلا خرجم بالاس... والدین من واقعا وقت زیادی رو برام میذارن و از بچگی زمان زیادی رو به من اختصاص می‌دادن». می‌توان گفت که نیازها و خواسته‌های وی به خوبی برآورده و تامین می‌شود.

وابستگی-تنهایی: این مقوله توصیفگر رابطه تک فرزند با والدین است. برای مثال از سویی وابستگی عاطفی زیادی را با والدین خود تجربه می‌کند: «من به شخصه از لحاظ عاطفی خیلی به پدرومادرم وابسته هستم و بدون اونها واقعا احساس می‌کنم نمی‌تونم زنده باشم... اینو شاید خاله/ دایی‌هامم بگن که من علاقه و محبت زیادی نسبت به پدر و مادرم دارم و همیشه قربون صدقه‌شون می‌رم و اونا همش منو با بچه هاشون مقایسه می‌کنن و بهشون می‌گن مثلا فلانیو نگا؛ محیا چقدر پدرومادرش رو دوس داره و قربون صدقه‌شون می‌ره (با خنده)»؛ این وابستگی خود را به صورت متقابل و دوجانبه نشان می‌دهد. بالتبع این وابستگی توقعات زیادی از والدین دارد و توجه انحصاری آنها به خود را می‌پسندد:«گاهی وقتا توقعات خیلی زیادی از پدرومادرم دارم و دلم می‌خواد همیشه برام بهترین‌هارو فراهم کنن... خب اگه خواهروبرادر داشتم محبت و توجه والدینم مسلما به من کمتر می‌شد و من اصلا این موضوع رو دوست ندارم»؛ در عین حال با این همه محبت و توجه افراطی از سوی والدین احساس تنهایی داردو معتقد است که از سوی والدین‌اش به خوبی درک نمی‌شود:« کسی رو توی خانواده ندارم که منو واقعا درک کنه و یه جورایی حرفامو بفهمه» و این امر را ناشی از نداشتن یا «فقدان حمایت برادرانه و محبت خواهرانه» می‌پندارد؛ او معتقد است جنس ارتباط برادرانه و خواهرانه با والدین متفاوت است و این فقدان‌ها خود را به صورت حسرت نداشتن همبازی، نبود حمایت برادرانه و یا فقدان محبت خواهرانه نشان می‌دهد: «توی خونه همبازی نداشتم و خیلی دوست داشتم خواهر یا برادری برای بازی کردن داشته باشم... اگه برادر داشتم اون حمایتی که بقیه بخاطر داشتن برادر دارن رو منم می‌داشتم... من خیلی حسرت محبت خواهرانه به دلم مونده و دوست داشتم محبت خواهرانه رو بچشم واقعا دوستامو می‌بینم که تعریف می‌کنن که خواهراشون چقدر بهشون محبت می‌کنن و چقدر با هم خوبن، غصه می‌خورم». گاه این امر خود را در قالب «حسرت داشتن برادرزاده وخواهرزاده» ابراز می‌کند:«خب بنظرم عمه یا خاله شدن یکی از قشنگ‌ترین حس‌های دنیاس که من نمی‌تونم هیچ وقت تجربش کنم و این حسرت بزرگیه برام». مسئولیت و وظایف زیادی که او در قبال خانواده سه‌نفره خود احساس می‌کند بالاست:«من خُب به دلیل اینکه تنها فرزند خانوادم‌ام در قبال پدرومادرم مسئولیت و وظایف زیادی دارم». این مسئولیت‌پذیری موجب می‌شود تا از تنهاشدن والدین خود بعد از ازدواج یا فاصله گرفتن از آنها به دلایل دیگری مثل ادامه تحصیل، ابراز نگرانی کند:«یکی از نگرانی‌های اصلی من اینه که اگه من ازدواج کنم یا از پدرومادرم دور بشم والدین‌ام از تنهایی دق می‌کنن وافسرده می‌شن». ترس از تنهایی والدین، یکی از هسته‌های اصلی نگرانی‌های راوی است.

شاکله شخصیتی نامنسجم شامل ویژگیهای مثبت و منفی اخلاقی رفتاری است.

ویژگی‌های اخلاقی- رفتاری مثبت: در این مقوله، راوی ویژگی‌های مثبت خود را در ابعاد اخلاقی و رفتاری برشمرد. برای مثال وی در مورد باوجدان بودن خود گفت: «اگه یه کار بدی انجام بدم سریع عذاب وجدان می‌گیرم و پشیمون می‌شم، می‌دونی روی این چیزا خیلی حساسم و اصلا دوست ندارم حق کسی رو ضایع کنم». این امر حاکی از مسئولیت‌پذیری بالای وی بود که اینگونه توصیف شد: «احساس مسئولیتم بالاس... من کلا رو مسئولیتی که به من می‌سپارن حساسم و حتما کاری رو که به من سپردن رو تموم می‌کنم». وی همچنین به ویژگی‌هایی همچون مودب بودن و راستگویی اشاره کرد: «معمولا عمه/ عموهام منو به عنوان دختر خوب فامیل که به همه احترام میذاره و با ادبه می‌شناسن. خدایی تعریف از خود نباشه اینو قبول دارم... بابابزرگم هردفعه بحثی می‌شد همیشه می‌ومد از من می‌پرسید. به همه زیاد می‌گفت که محیا خیلی دختر راستگوییه و امکان نداره دروغ بگه. راستم می‌گفت من واقعا نمی‌تونم دروغ بگم». وی یکی از ویژگی‌های دوست‌داشتنی خود را کمال‌گرایی می‌داند. به نظر می‌رسد با توجه به توصیفات راوی، این ویژگی شکل منفی و آزارنده به خود نگرفته است:«معمولا دوست دارم تقریبا همه چیز و همه کارام در بهترین حالت باشه و همچی عالی باشه کلا خواهان بهترین‌ها هستم و این ویژگیمو هم خیلی دوست دارم». علاوه بر این مسائل وضعیت تحصیلی راوی نیز مطلوب است: «معمولا جزو سه نفر اول کلاس بودم همیشه... از اول دانشگاه تا آخر دانشگاه درسم خوب بوده و درس‌خون بودم و نمرات خوب و بالایی می‌گرفتم. اصلا یادم نمیاد نمره زیر ۱۷ داشته باشم».

ویژگی های اخلاقی -رفتاری منفی: علاوه بر ویژگی‌های مثبت، راوی ویژگی‌های منفی قابل‌توجهی را نیز از خود برشمرد. برای مثال او خود را مغرور و خودخواه توصیف کرد:« من همیشه از بچگی تا الان یه حس خودبرتربینی دارم و احساس می‌کنم از بیشتر آدمای دورو برم بهترم». همچنین جستجوگری او در توصیف خود وی به صورت واژه «سمج» نمایان شده است:«معمولا دوروبریام بهم می‌گن

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

خیلی کنه و سمجی و تا چیزی که می‌خوای نشه دست بر نمی‌داری». وی خود را ترسو، لوس و پرخاشگر نیز می‌داند که در جملات زیر بیان شده‌اند:« من واقعا آدم ترسویی هستم و دیگرانم اینو بهم می‌گن که خیلی ترسو هستم و از هرچیزی می‌ترسم... من خیلی بچه ننه‌ام و تقریبا هرکی منو می‌شناسه بهم می‌گه خیلی لوس و ننرم... یکی از عیب‌های بزرگ من اینه که خیلی پرخاش می‌کنم و اگه از چیزی خوشم نیاد پرخاشگرانه صحبت می‌کنم».

او خود را در انجام کارها مستقل نمی‌انگارد و خود را انسانی وابسته می‌پندارد:« حتی الان که بزرگ شدم از پس کارام به تنهایی بر نمیام و همیشه به یکی انگار نیاز دارم که بیاد کمکم». همچنین راوی خود را تک‌بعدی پنداشته و تعادل در ابعاد مختلف زندگی او وجود ندارد.:« من خیلیا رو دیدم که هم درس‌شونو می‌خونن، هم تفریح می‌کنن، هم کار می‌کنن، هم به خودشون می‌رسن. واقعا خیلی دلم می‌خواد اینجوری باشم، ولی نمی‌تونم. کلا یادمه تو دوران تحصیلم فقط درس می‌خوندم؛ نه ورزشی، نه مسافرتی و از اینکه آدم تک‌بعدی هستم واقعا ناراحتم». همچنین خودپنداره وی از این بابت که خود را «ساده‌لوح» توصیف می‌کند آسیب دیده است:« کلا بهتره بگم ساده لوحم و سریع گول می‌خورم ». وی یکی دیگر از ویژگی‌های منفی خود را زودرنج بودن برمی‌شمرد و تاب‌آوری خود در وقایع را پایین ارزیابی می‌کند:« کلا اطرافیانم مخصوصا مادر بزرگم و خاله/ دایی‌هام خب می‌گن که من خیلی زود ناراحت می‌شم و سریع بهم برمی‌خوره و به قول معروف اشکم لب مشکمه... من کلا آدم کم تحملی‌ام؛ یه مشکل کوچیک سریع می‌تونه بهم شوک وارد کنه و فکر می‌کنم دنیا به اخر رسیده». مساله دیگری که توسط راوی بیان شد مشکلات روحی است که وی را آزار می‌دهد و اینگونه توضیح می دهد:« من خیلی آدم استرسی هستم و این اضطراب همیشه با من هست و منو آزار می‌ده... ».

تعاملات اجتماعی محدود

محدودیت ارتباط با اقوام و بستگان: راوی خود را در شروع ارتباط با دیگران ناتوان می‌داند و صلاحیت خود برای این کار را کم ارزیابی می‌کند: «خُب من کلا آدمی هستم که در شروع ارتباط خیلی مشکل دارم؛ مثلا وقتی خونه‌مون مهمونی باشه و دیرتر از مهمونا برسم، احوال‌پرسی باهاشون واقعا برام سخته». همچنین علاوه بر شروع روابط اجتماعی، او خود راگوشه‌گیر و کم‌حرف روایت می‌کند:«من کلا تو جمع و دور همی‌ها کم حرف می‌زنم وبیشتر گوش می‌کنم که بقیه چی می‌گن». شاید همین ویژگی‌های او باشد که باعث می‌شود تا او تمایل زیادی به شرکت در جمع‌های شلوغ نداشته باشد:«من زیاد دوست ندارم درمهمونی‌های شلوغ باشم و زیاد نمی‌تونم توی مهمونی‌های شلوغ بمونم و از این‌جور مهمونیای شلوغ بدم می‌آد». از سویی وی معتقد است که از سن و سال خود بالغانه‌تر رفتار می‌کند:«تو بچگی با همکارای مامانم که می‌رفتیم دورهمی من که حرف می‌زدم یا جواب سوالاشونو می‌دادم همشون لبخند می‌زدن و می‌گفتن چقدر خانومانه رفتار می‌کنه با این سن کم»؛ این ویژگی راوی باعث شده است تا او با افراد بزرگتر فامیل ارتباط بهتری برقرار کند:«من ارتباطم کلا با افراد بزرگتر از خودم توی فامیل بهتره و معمولا تو جمع بزرگترا می‌شینم».

ضعف ارتباط با دوستان و همسالان: به طور کلی ارتباطات دوستانه وی مطلوب نیست و در این زمینه ضعف جدی دارد. راوی ارتباط خود با همسالان و مجموعه دوستان را اینگونه توصیف می‌کند : «من از بچگی دوستای کمی داشتم همیشه فقط با یکی دو نفر دوست بودم همین الانشم که۲۲ سالمه فقط ۳ تا دوست دارم». وی معتقد است که رقابت کردن را یاد نگرفته است و این کار باعث شده تا با دوستانش نیز رقابت نکند: «من اصلا رقابت کردن رو یاد نگرفتم و معمولا با دوستام تقریبا در هیچ زمینه‌ای رقابت نمی‌کنم.». وی خود را در دوستی پرتوقع می‌داند:«کلا توی دوستی با آدما آدم پرتوقعی‌ام. دوست دارم همیشه به حرفام گوش بدن و فقط با من دوست باشن». این امر نوعی انحصارطلبی در دوستی را به تصویر می‌کشد. همچنین وی خود را در همکاری با دوستانش ناتوان می‌داند:«من همیشه در کارهای گروهی تو دوران مدرسم افتضاح بودم و واقعا همین حالاشم نمی‌تونم با دوستام همکاری داشته باشم»؛ این امر گویایی فقدان روحیه تیمی و کارگروهی در وی است. نادیده گرفتن دوستان نیز از دیگر مسایلی است که ارتباط وی با دوستانش را تیره می‌کند:« شاید دوستای قدیمی‌ام هم تایید کنن که من کلا دوستامو آدم حساب نمی‌کنم و نادیدشون می‌گیرم».

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحقیق روایت‌پژوهی به توصیف تجربه‌های یک دختر تک‌فرزند بیرجندی پیرامون ویژگی‌های شخصیتی و تعاملات خانوادگی و اجتماعی‌اش پرداخته است. بررسی مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از روایت‌های مشارکت‌کننده نشانگر مضامین سه‌گانه «دوسوگرایی تعاملات خانوادگی، شاکله شخصیتی نامنسجم و تعاملات اجتماعی محدود» است که در ادامه

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

موردبحث و تبیین قرار می‌گیرند. اولین مضمون «دوسوگرایی در تعاملات خانوادگی» است. درواقع به همان اندازه که مشارکت‌کننده این پژوهش در مرکز توجه والدین خود قرار دارد و تحت حمایت آن‌هااست، که با عبارت «ارتباط محافظتی» مقوله‌بندی شده است؛ به همان اندازه نیز با احساسات متعارض درونی تحت فشار است،که با عنوان «وابستگی-تنهایی» صورت‌بندی شده است. این هم‌وابستگی موجود بین تک‌فرزند و والدین او، گاه آزارنده است و استقلال عمل وی را سلب می‌کند و تک‌فرزند در آرزوی رهایی از این دام وابستگی است. درواقع تمایزیافتگی در این‌گونه تعاملات والد-فرزندی اتفاق نیفتاده است. جالب توجه اینست که در عین این وابستگی ،فرزند خانواده از احساس تنهایی نیز رنج می برد. در این راستا لازم به ذکر است که برای درک بهتر تأثیرات تک‌فرزندی، در نظر گرفتن پویایی‌ها و تعاملات خانواده‌های تک‌فرزند اهمیت دارد (مک‌منامین[1]، ۲۰۱۳). خانواده‌های تک‌فرزند، در مقابل چندفرزند، الگوی رفتاری و نظام شناخت‌های متفاوتی را پرورش می‌دهند. الگوی خانواده هسته‌ای متمرکز بر فرزند در این خانواده‌ها اثرات پایداری بر فرزند دارد (هی[2]، ۲۰۱۳). درحالی‌که تک‌فرزندی ممکن است ازلحاظ مالی و اقتصادی آسان‌تر باشد، لازم است به هزینه‌های روان‌شناختی این خانواده‌ها در ارتباط با فرزند نیز توجه شود (کرنین[3]، ۲۰۱۱). تک‌فرزندان در حین تجربه گرمی و صمیمیت و توجه و امکانات بیشتر (فالبو[4]، ۲۰۱۲؛ فالبو و هوپر[5]، ۲۰۱۵)، فشار زیادی را در ابعاد گوناگون تعامل با والدین - به‌عنوان نیروی اجتماعی شدن اولیه - متحمل می‌شوند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ این صمیمت و نزدیکی مفرط، هم سودمند است و هم مشکل‌ساز (کوزولسکی[6]، ۲۰۱۲؛ شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). کرنین (۲۰۱۱) نشان داده است که والدین تک‌فرزندان میزان کنترل زیادتری بر آن‌ها دارند. نگرانی‌ها و هشدارهای والدین از سوی تک‌فرزندان به شکل فشارهای جانبی و استرس حاشیه‌ای تجربه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که توجه مداوم به امنیت، سلامت و آینده تک‌فرزند موجب می‌شود تا آن‌ها دنیای اطراف را به شکل یک بیمارستان ببینند؛ این نوع ارتباط محافظتی، فرزندان را در پوسته‌ای از سپرهای دفاعی که آمیخته با نگرانی‌های مستمر والدین است قرار می‌دهد؛ ازاین‌رو ممکن است تضعیف‌کننده احساس خودکارآمدی در تک‌فرزندان باشد؛ احساسی که به آن‌ها این پیام را می‌دهد که کفایت لازم برای برخورد با مسائل زندگی را ندارند و از پس مسائل بر نخواهند آمد . در همین راستا آدلر[7] (۱۹۲۸؛ به نقل از مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۸) معتقد است که توجه و مراقبت افراطی والدین در قبال تک‌فرزندان منجر می‌شود تا این افراد الگوی وابستگی‌های کودکانه، فشار و استرس را از خود بروز دهند و خودمختاری آن‌ها تحت‌الشعاع قرار گیرد. البته مسئله وابستگی در تک‌فرزندان به‌صورت متقابل با والدینشان است. این یافته نیز مورد تائید پژوهش چن[8] (۲۰۰۷) است که معتقد است این حجم از وابستگی به دلیل تجربه کم عدم پذیرش از سوی والدین در تک‌فرزندان است. شیوه منحصربه‌فرد الگوهای خانوادگی تک‌فرزندان ممکن است تقویت‌کننده وابستگی آن‌ها بوده و این افراد را از دستیابی به استقلال بازدارد (رنک و همکاران [9]، ۲۰۰۵).

تمایزیافتگی مطلوب شاید هیچ موقع در روابط تک فرزند با والدین اتفاق نیفتد شاید به این دلیل که در خانواده‌های دارای چند فرزند، فشار مسئولیت در قبال پدر و مادر و ترس از تنها شدن آن‌ها و سایر مسائل این‌چنینی، بر شانه چندین فرزند تقسیم می‌شود؛ اما تک‌فرزند، باید این فشار را به‌تنهایی تقبل و تحمل کند که گاه دست و پای او را بسته و تلاش‌های آن‌ها برای استقلال از والدین، همراه با احساس گناه و گاه نفرت از خود است. دوچ[10] (۲۰۰۶) نشان داده است که تک‌فرزندان خود را مسئول شاد کردن والدینشان می‌دانند و این امر در نبود همشیر دیگر برای تقسیم وظایف، تشدید می‌شود. ازاین‌رو در خانواده‌های هسته‌ای با تک‌فرزند، در برابر کلیه منابع خانوادگی که به آن‌ها اختصاص می‌یابد (لی و همکارانش [11]، ۲۰۱۷)، فشار مسئولیتی بیشتری نیز به آنان وارد می‌شود. سانگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود دریافتند که والدین تک‌فرزندان نسبت به والدینی که تعداد بیشتری فرزند دارند منابع بیشتری را در اختیار فرزند خود قرار می‌دهند در خیلی از مواقع، انتظاراتی که والدین از تک‌فرزند دارند با توانایی‌ها و ظرفیت واقعی فرزند سازگار و منطبق نیست (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). احساس تنهایی و درک نشدن و حسرت داشتن خواهر و برادر و بعدها عمه، عمو، دایی و خاله شدن در

1.McMenamin
2.He
3.Krynen
4.Falbo
5.Hooper
6.Kozlowski
7.Adler
8.Chen
9.Renk
10.Deutsch
11.Lee

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

تک‌فرزندان، تجربه ویژه‌ای است که اگر مکرراً اتفاق افتد، اثرات مخربی بر سلامت جسمی، روانی و عاطفی آن‌ها بر جای می‌گذارد (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۸). مضمون اصلی دوم استخراج‌شده «شاکله شخصیتی نامنسجم» است. درواقع طیفی از ویژگی‌های خلقی و رفتاری مثبت تا منفی بازگوی شرایط ویژه تک‌فرزندان در فضای خانوادگی است. با توجه به پژوهش‌های ترنت و اشپیتز[1] (۲۰۱۱)، تجربه تک‌فرزندی، برخلاف جایگاه ترتیب تولد، شبیه تجربه فرزند اول یا آخر بودن است و درعین‌حال خلاف چنین تجربه‌ای نیز هست. چنین تجربه ویژه‌ای منجر به شکل‌گیری الگوی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی خاصی نیز می‌شود. بزرگ شدن در بافت خانوادگی بدون وجود خواهر و برادر، منجر به شکل‌گیری ویژگی‌های رفتاری خاصی در فرد می‌شود و ازاین‌رو تک‌فرزند بودن موقعیت منحصربه‌فردی است (فلوید و مورمان[2]، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش‌ها در این زمینه نتایج ضدونقیضی را دربر می‌گیرند. برای مثال نتایج پژوهش مانچیلاس[3] (۲۰۰۶) نشانگر این است که تک‌فرزندان افرادی خودمحور، وابسته و دمدمی‌مزاج و ازلحاظ اجتماعی ناسازگارند.

در مطالعات کاتینگ و دان[4] (۲۰۰۶؛ به نقل از ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳). این نتایج حاصل شد که تک‌فرزندان پرخاشگر و مخرب‌تر از همشیران بودند. همچنین ستلز و همکاران[5] (۲۰۱۳) اشاره می‌کنند که تک‌فرزندان ممکن است ویژگی‌های نامطلوب شخصیتی همچون خودخواهی و ضعف در پایبندی به کنترل رفتاری را بیشتر بروز دهند؛ که این موارد در پژوهش حاضر نیز تحت عنوان ویژگی‌های اخلاقی-رفتاری منفی بروز کرد. لاوین[6] (۲۰۰۱) خاطرنشان می‌سازد که ابراز احساسات عمیق برای تک‌فرزندان دشوار است (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۸). فقدان زیر منظومه همشیرها (خواهر/برادری) به لحاظ ساختاری موجب می‌شود تا در خانواده‌های تک‌فرزند «زیر منظومه‌ای یگانه» برای این افراد شکل بگیرد. ازاین‌رو آن‌ها تا زمانی که بالغ شوند، معمولاً تنها هستند و در کنار ویژگی‌های مثبتی که این یگانگی ممکن است به همراه داشته باشد، ممکن است موجبات انزواطلبی، روی آوردن به فضای مجازی، افسردگی و درونی سازی مشکلات را در آن‌ها فراهم سازد (کرنین، ۲۰۱۱).

ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که کودکان خانواده‌های دو فرزند، در مشکلات رفتاری اعم از مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی، میانگین کمتر و وضعیت کاملاً بهتری نسبت به تک‌فرزندها دارند. صادقی و روشن نیا (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند که میزان امید به زندگی، تاب‌آوری و تمایزیافتگی در نوجوانان خانواده‌های چند فرزند از نوجوانان خانواده‌های تک‌فرزند بیشتر است. همچنین تک‌فرزندان بیشتر از دیگران به اختلالات اضطرابی دچارمی شوند. از سوی دیگر نتایج برخی دیگر از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تک‌فرزندان انگیزه و پیشرفت تحصیلی، رضایت از زندگی، اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس بالاتری دارند و نسبت به افراد دارای خواهر و برادر هدفمندتر بوده و منبع کنترل درونی دارند (فاضلی‌مهر و رضوانی، ۱۳۹۹) که مورد تأکید این پژوهش نیز هست که گویای رشد ویژگی‌های مثبت در تک‌فرزندان است. این یافته‌ها در پژوهش‌های دیگری ازجمله براون (۲۰۱۴)؛ مانچیلاس (۲۰۰۶) و مک منامین (۲۰۱۳) نیز مورد تایید قرار گرفته است. کرنین (۲۰۱۱) نیز رشد قابلیت های مثبتی همچون خلاقیت، لذت از تنهایی و توانایی سرگرم کردن خود در تک‌فرزندان را مورد تایید قرار داده‌است. همچنین تاوارس و همکاران[7] (۲۰۰۴) نشان داده‌اند که تک‌فرزندان نسبت به فرزندان اول و نوجوانان دارای خواهر و برادر به‌احتمال کمتری به سمت الکل کشیده شده و همچنین پیشرفت تحصیلی تک‌فرزندان نسبت به نوجوانان دارای خواهر و برادر بیشتر است. اوکانر و ایوانس[8] (۲۰۱۸) در پژوهشی نتیجه می‌گیرند که کودکان دارای خواهر و برادر، احتمال تقلب و دروغ‌گویی‌شان از کودکان بدون خواهر و برادر بیشتر بود.

مضمون اصلی بعدی «تعاملات اجتماعی محدود» تک‌فرزند این مطالعه است. در این زمینه ترنت و اشپیتز (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که بزرگ‌سالانی که بدون خواهر و برادر هستند در مقایسه با بزرگ‌سالانی که خواهر و برادر دارند،کمتر درگیر فعالیت های اجتماعی می‌شوند و تعامل کمتری با بستگان خود دارند. تک‌فرزندان از روابط خواهر/ برادری که به‌نوعی آزمایشگاه اجتماعی است محروم‌اند. در روابط بین همشیرها احساسات مثبت و منفی بسیاری تجربه می‌شود که تمرینی برای روابط بعدی، ازجمله رابطه با همسالان و دوستان است؛ در بستر این شبکه تعاملی است که فرصت تضارب آرا بوجود می آید و با بازخورد و نقد، بسیاری از رفتارهای ضد اجتماع شناسایی

1.Trent & Spitze
2.Floyd & Morman
3.Mancillas
4.Cutting& Don
5.Settles
6.Lavin
7.Tavares
8.O'Connor & Evans

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

و تعدیل یا اصلاح می شود؛ فقدان این روابط باعث می شود تا تک‌فرزندان ضعف در روابط عاطفی را تجربه کنند و زودرنج و حساس بوده و آستانه تحریک پایینی داشته باشند و در کنترل امیال و خواسته ها و مهار احساسات و هیجاناتشان ضعف نشان دهند (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶)؛ بر این اساس، خانواده‌های تک فرزند با محدودیت ایفای نقش مواجه‌اند، زیرا حامل نقش فرزنـد، امکان ایفای نقش خواهر یا برادر را ندارد و از قابلیت‌ها و مهارت‌هایی که در روابط بـین خـواهر برادر شکل می‌گیرد محروم است (شجاعی و یزد خواستی،۱۳۹۶). می توان گفت که خواهر و برادرها اولین گروه همتای کودک را تشکیل می‌دهند؛ در این بافت، کودکان از یکدیگر حمایت می‌کنند؛ به یکدیگر می‌تازند؛ از یکدیگر می‌آموزند. آنها از الگوهای مراودهای خاص برای گفتگو و مشاجره و همکاری و رقابت استفاده می‌کنند. آنها می‌آموزند چگونه قهر و آشتی کنند؛ چگونه از دیگران یاد بگیرند و چگونه هویت خود را به دیگران نشان دهند (مینو چین،۱۳۸۷، به نقل از صادقی و روشن نیا، ۱۳۹۴).

موارد مذکور موجب می‌شود تا تک‌فرزندان در کنار آمدن با دیگران ضعف جدی بروز دهند و علاوه بر دوری دیگران از آنها، خود نیز رغبتی به ارتباط با دیگران احساس نکنند. با توجه به اینکه تک فرزندان از محبت و توجه اشباع هستند دیگر در جستجوی آن در خارج از خانه نیستند؛ لذا تبادل اجتماعی و عاطفی، برای آنها اولویت ندارد.

پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند افرادی که خواهر یا برادر ندارند در مقایسه با افراد همسن وسال که تک فرزند نیستند، مهارت های ارتباطی و اجتماعی ضعیف تری دارند (صادقی و روشن‌نیا ، ۱۳۹۵). یافته‌های حاکی از پژوهش کریمیان و همکاران (۱۳۹۴) بیانگر این مطلب است که شناخت اجتماعی در کودکان خانواده‌های دارای چند فرزند بیشتر از خانواده‌های تک فرزند است. مطالعات کاتینگ و دان (۲۰۰۶) نشان دادکه تک‌فرزندان در بین گروه دوستان،محبوبیت کمتری داشتند و بیشتر قربانی می‌شوند در حالیکه کودکانی که همشیر داشتند، مهارتهای همکاری بیشتری در گروه دوستان از خود نشان می‌دادند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳). کم شدن روابط اجتماعی و عدم جامعه پذیری برای تک‌فرزندان در مطالعات دیگری نیز به اثبات رسیده است (لیسن و بلانتن، ۲۰۰۱؛ به نقل از فاضلی مهر و رضوانی، ۱۳۹۹). خلیلیان شلمزاری (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که کودکان دارای خواهر یا برادر در نظریه ذهن و ویژگیهای مثبت شخصیتی از تک‌فرزندان برتر می‌باشند. این نتایج با یافته‌های پناهی (۱۳۹۵) همسو است که فرزندآوری و فرزندپروری را عاملی در راستای شکوفایی استعدادها، رشد اجتماعی و تقویت روابط اجتماعی می داند. تک‌فرزندان در دنیای بزرگسالان حضور داشته و هدف آنها، جلب رضایت بزرگترهاست و به مرور نقطه نظرات آنان را کسب می کنند و سعی در همتایی و همانند سازی با آنها خواهند داشت. ارتباط او با سایر کودکان ناپایدار خواهد بود، چون از عهده درک سایر کودکان برنخواهد آمد؛ لذا او علاقه اجتماعی ضعیفی خواهد داشت.

در یک نتیجه‌گیری کلی باید عنوان کرد که تمام مقولاتی که به‌صورت کاملاً متناقض و در طیف مطلوب و نامطلوب در این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در مورد تک‌فرزندان گزارش شده است، منوط به جو و فضای خانواده است. این مسئله بیانگر اهمیت تعاملات خانوادگی و مشروط به بده و بستان‌هایی است که بین تک فرزند و والدین او صورت می گیرد. در صورتی که والدین حمایت های بیش از حدی از تک فرزند خود داشته باشند و مانع تجربه پیامد اشتباهات و اعمال تک فرزند شوند، او را از مسئولیت پذیری دور کرده و موجب می شوند تا او روحیه حساس و ضعیفی داشته و شکننده و آسیب پذیر باشد (موجودی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ که این امر می تواند تبیینگر بسیاری از ویژگی های منفی تک فرزند باشد؛ و در صورتی که جو تعاملاتی مبنی بر سبک والدگری عقلانی پی‌ریزی شود از رشد ویژگی های نامطلوب جلوگیری کرده و مامنی برای تکوین ویژگی‌ها و تعاملات سالم و مطلوب خواهد بود. خروجی نیمرخ روانی و تعاملاتی تک‌فرزندان گونه‌های مختلفی دارد که نمی‌توان با یک مطالعه روایت گونه به بررسی همه‌جانبه تمام موارد آن پرداخت. به‌هرحال مطالعاتی ازاین‌دست اهمیت توجه به ویژگی‌های منفی تک‌فرزندی را برای والدینی که گرایش به تک‌فرزندی دارند برجسته می‌سازد.

منابع

پناهی، ع. ا. (۱۳۹۵). نگاهی به فواید و آثار فرزند آوری و فرزند پروری در آموزه‌های دینی با رویکرد اخلاقی. *نشریه علمی – ترویجی اخلاق*، ۲۱ (۶)، ۳۳-۶۳. Doi:10.22081/jare.2017.44931.

حسینی، ح.، عسکری ندوشن، ع.، و مرادی، ن. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تمایلات فرزند آوری زنان کُرد شیعه و سنّی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران. *فصلنامه مطالعات زن و خانواده*، ۴ (۱)، ۸۴-۶۳. Doi:10.22051/JWFS.2016.2340

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

خلج آبادی فراهانی، ف.، و سرایی، ح.(۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۸(۷۱)، ۵۸-۲۹. Doi:10.22095/JWSS.2016.33826

ساطوریان، س.ع.، طهماسیان، ک.، و احمدی، م.ر.(۱۳۹۳). مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند. *مجله روان‌شناسی و دین*،۷(۳)، ۸۰-۶۵.

شجاعی، ج.، و یزد خواستی، ب.(۱۳۹۶). تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال. *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۴)، ۴۷۶-۴۴۷. Doi: 10.22059/jwdp.2017.238489.1007242

صادقی، م.، و روشن نیا، س.(۱۳۹۵). بررسی نقش جمعیت خانواده بر ابعاد روانی فرزندان: امید به زندگی، تاب‌آوری و تمایزیافتگی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۱(۳۶)، ۱۲۱-۹۹.

طاووسی، م.، اسماعیلی مطلق، م.، اسلامی، م.، حائری مهریزی، ع.ا.، هاشمی، ا.، و منتظری، ع. (۱۳۹۵). فرزند آوری از دیدگاه شهروندان تهرانی: دلایل تمایل و عدم‌تمایل. *نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی*، ۱۵(۶)، ۶۶۸-۶۶۳. Doi 20.1001.1.16807626.1394.14.5.8.9

فاضلی‌مهر، م.، و رضوانی، س.ز. (۱۳۹۹). بررسی آسیب‌های تربیتی در خانواده‌های تک‌فرزند از نگاه اسلام و روان‌شناسی. *مطالعات روان‌شناسی با رویکرد اسلامی*، ۱ (۲)، ۱۲۴-۱۰۵.

کریمیان، ز.، شهبازی راد، ا.، و حقیقی کرمانشاهی، م. (۱۳۹۴). مقایسه شناخت اجتماعی کودکان دختر خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند ۵ و ۷ ساله شهر اصفهان. *فصلنامه علمی- پژوهشی شناخت اجتماعی*،۴(۲)، ۳۴-۲۲.

مرتضوی، م.، حسینیان، س.، رسولی، ر.، و زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۸). تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین؛ مطالعه پدیدارشناسی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۵(۵۸)، ۲۶۶-۲۵۱.

موجودی، م؛ یوسفی، ز.، و ترکان، ه. (۱۳۹۷). پیش‌بینی افسردگی نوجوانی بر اساس استرس‌های نوجوانی، تاب‌آوری، سبک‌های دل‌بستگی و روابط خانوادگی در دو گروه تک‌فرزند و چند فرزند. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶ (۲)، ۲۲۸-۲۲۱. Doi: 10.22122/rbs.v16i2.2175

Brown, J. M. (2014). Sibling Position and Risk Attitudes: Is Being an Only Child Associated with a Person's Risk Tolerance?. *Journal of Financial Therapy Volume*, *5*(2).19-36. Doi.org/10.4148/ 1944-9771.1072

Chen, Y. (2007). Parent-child relationship in single-child families in China. *World Cultural Psychiatry Research Review*, *2*(4), 123-27. http://www.jstor. Doi. org/stable/23882744

Chen, Z. Y., & Liu, R. X. (2014). Comparing adolescent only children with those who have siblings on academic related outcomes and psychosocial adjustment. *Child Development Research*, *2014*.1-10. Doi.org/10.1155/2014/578289.

Clandinin, D. J., & Connelly, F. M. (2004). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*. John Wiley & Sons. ISBN-13: 978-0787972769

Deutsch, F. M. (2006). Filial piety, patrilineality, and China's one-child policy. *Journal of Family Issues*, *27*(3), 366-389. Doi:10.1177/0192513x05283097.

Falbo, T. (2012). Only children: an updated review. *Journal of Individual Psychology*, *68*(1). Doi.org/10.1002/9781119171492.wecad218

Falbo, T., & Hooper, S. Y. (2015). China's only children and psychopathology: A quantitative synthesis. *American Journal of Orthopsychiatry*, *85*(3), 259. Doi: 10.1037/ort0000058.

Fletcher, C. (2014). Adult reflections on being an 'only-child'. Doi:10.4324/9780429479571-3

Floyd, K., & Morman, M. T. (Eds.). (2013). *Widening the family circle: New research on family communication*. Sage Publications. Doi.org/10.4135/9781483387956

He, T. (2013). *American family entertainment and the only child generation in contemporary urban china* (Doctoral dissertation, University of East Anglia). ISNI:0000 0004 2739 5970

Hu, C. B. (2009). *Research on the Secondary School Students' Academic Self and Related Factors*. Master thesis, HeNei Normal University, Xinxiang. Doi.org/10.3389/fpsyg.2017.00423

Kozlowski, J. F. (2012). Adult Implications of Being an Only Child. *General Psychology*, 1-25.

Krynen, C. (2011). The rise of single-child families: Psychologically harming the child. *Intuition BYU Undergrad J Psychol*, *7*, 10-4. Doi.org/10.1080%2F00207598708246773

Kwan, Y. K., & Ip, W. C. (2009). Life satisfaction, perceived health, violent and altruistic behaviour of Hong Kong Chinese adolescents: Only children versus children with siblings. *Child indicators research*, *2*(4), 375-389. Doi:10.1007/s12187-009-9041-y .

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

Liu, N., Chen, Y., Yang, X., & Hu, Y. (2017). Do demographic characteristics make differences? Demographic characteristics as moderators in the associations between only child status and cognitive/non-cognitive outcomes in China. *Frontiers in Psychology*, *8*, 423. Doi: 10.3389/fpsyg.2017.00423.

Mancillas, A. (2006). Challenging the stereotypes about only children: A review of the literature and implications for practice. *Journal of Counseling & Development*, *84*(3), 268-275. Doi:10.1002/j.1556-6678.2006.tb00405.x .

Mansour, F. (2018). Economic insecurity and fertility: Does income volatility impact the decision to remain a one-child family?. *Journal of Family and Economic Issues*, *39*(2), 243-257.Doi:1O.1007/s10834-017-9559-y.

McMenamin, K. (2013). *Family Communication and Memorable Messages about Roles in Only-Child Families* (Doctoral dissertation, Master Thesis, University of Colorado Boulder). https://scholar.colorado.edu/concern/undergraduate_honors_theses/2b88qc52b

O'Connor, A. M., & Evans, A. D. (2018). The relation between having siblings and children's cheating and lie-telling behaviors. *Journal of Experimental Child Psychology*, *168*, 49-60.. Doi:10.1016/j.jecp.2017.12.006 .

Polit, D. F., & Falbo, T. (1988). The intellectual achievement of only children. *Journal of Biosocial Science*, *20*(3), 275-286. Doi.10.1017/S002119320000066l1.

Renk, K., Liljequist, L., Simpson, J. E., & Phares, V. (2005). Gender and age differences in the topics of parent-adolescent conflict. *The Family Journal*, *13*(2), 139-149. D oi: 10.1177/1066480704271190.

Settles, B. H., Sheng, X., Zang, Y., & Zhao, J. (2013). The one-child policy and its impact on Chinese families. In *International handbook of Chinese families* (pp. 627-646). Springer, New York, NY. Doi.org/10.1007/978-1-4614-0266-4_38

Shao, Y., Yao, X., Li, Y., & Huang, Z. (2013). Personality and life satisfaction in China: The birth order effect under the influence of national policy. *Personality and Individual Differences*, *54*(4), 536-541. Doi:10.1016/j.paid.2012.11.001.

Tavares, M. B., Fuchs, F. C., Diligenti, F., Abreu, J. R. P. D., Rohde, L. A., & Fuchs, S. C. (2004). Behavioral characteristics of the only child vs first-born and children with siblings. *Brazilian Journal of Psychiatry*, *26*, 17-23. Doi.org/10.1590/S1516-44462004000100007.

Trent, K., & Spitze, G. (2011). Growing up without siblings and adult sociability behaviors. *Journal of Family Issues*, *32*(9), 1178-1204. Doi: 10.1177/0192513X11398945.

Webster, L., & Mertova, P. (2007). *Using narrative inquiry as a research method: An introduction to using critical event narrative analysis in research on learning and teaching*. Routledge. Doi.org/10.4324/9780203946268

Wu, L. (2014). *Are only children worse off on subjective well-being?: evidence from China's one-child policy* (Doctoral dissertation, Hong Kong University of Science and Technology). Doi:10.14711/thesis-b1334177

Yang, J., Hou, X., Wei, D., Wang, K., Li, Y., & Qiu, J. (2017). Only-child and non-only-child exhibit differences in creativity and agreeableness: evidence from behavioral and anatomical structural studies. *Brain imaging and behavior*, 11(2), 493-502. Doi:10.1007/s11682-016-9530-9.

Yuan, Y. (2014). The Relationships among Academic Social Comparison Academic Self-Efficacy and Academic Stress of Middle School Students. *Unpublished master's thesis). Northeast Normal University, Changchun*. Doi:10.1007/s11682-016-9530-9.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.6.3]